

پاینده ایران

ای آفریدگار پاك

ترا می پرستم و از تو یاری می جویم

میهن و ملت را دریابید

هم میهن

شگفتا در روزگار "مهرورزی و عدالت پروری" که آوازه ی آن گوش جهانیان را کر کرده است، ملت ایران با مسائلی دست به گریبانند که در اثر عدم مدیریت درست، روز به روز بیشتر به زیر خط فقر سقوط کرده و نه تنها واژه آزادی سالهاست بی محتوا شده که استقلال کشور هم در تهدید قرار گرفته است.

کارنامه مردود عملکرد لبریزاز شعارهای بی درون مایه و رفتار کاربدستان با مردم نه تنها غیر انسانی و بی مهرانه است، بلکه ساده ترین حقوق اولیه انسانها پایمال می شود. به راستی مهرورزی و عدالت پروری در این شرایط چقدر مصداق دارد؟ گویی یک شهر و چهل کلانتر داریم که نشان آن را در پراکندگی تصمیم ها و افسار گسیختگی قیمت ها و فشار به قشر کم درآمد می توان به سادگی دریافت. بی تدبیری، تعصب کور، یکدندگی و اصرار بر افکار دشمن برانگیز آن هم با نمای وطن پرستانه و بدون برنامه، کشور را در آستانه سقوط کامل قرار داده است و به ناکجا آبادی می برد که منجر به گرسنگی بیش از پیش، بیکاری، سقوط ارزشهای اخلاقی و... در داخل و خارج، مایه آوارگی هم میهنان و انفعال سیاسی در صحنه بین المللی شده و بدین صورت است که منافع ملی هر روز به گونه ای کودکانه از دست می رود و مزیتها و فرصتهای ملی را ازدست می دهیم. با این همه، گویی ملت بدهکاراست و باید تاوان انقلابش را بدهد. موج دستگیریها، بازداشتها، هجوم به راه پیمایی های آرام زنان و مردان، حمله به گرد هم آیی های قانونی معلمان مستاصل که برای حقوق اولیه خود و رشد فرهنگ جامعه گرد آمده اند، آنهم آرام و حتی بدون شعار، در مقابل خانه ملت، خانه ای که روزگاری روح و منزلتی داشت که هرگاه مردم از زورگوییهای حکام مستبد به مجلس پناه می بردند، در امان بودند. امروز از دست دولتیان و مجلسیان به کجا پناه باید ببرند؟!

آیا کسی هست این مردم از همه جا رانده شده را یاری دهد تا در چهارچوب همین قانون اساسی پرنقص به حقوق خود برسند؟ بیست و هفت سال درد ورنج بی عدالتی و تحمل آن کافی نیست؟ که این روزها به اعتراض آرام کارگران حمله می شود، معلمان بازداشت می شوند، زنان که خواهان حقوق انسانی مدنی و شهروندی برابر هستند، دستگیر می شوند دانشجویان هرروز به بهانه ای به میز محاکمه و پیگرد کشیده میشوند و به جای پشت میز درس و مدرسه پشت میله زندان جوانی خود را سپری می کنند؟ آیا این عدالت و مهرورزی است؟ و یا صدور قرار بازداشتهای غیرقانونی برای وکیلان شجاع و مدافع حقوق راستین، فعالان حقوق مدنی از زن و مرد. این است مهرورزی؟! مملکت را به کجا می برید؟! با وعده و عوام فریبی، شکم گرسنگانی که بر دریای نفت و گاز و ثروتهای ملی امکانات تولیدی، زندگی می کنند و گرسنه هستند، سیر نمی شود. درایت، مدیریت، دلسوزی و از همه مهمتر از منافع شخصی گذشتن و منافع ملی را مد نظر داشتن می خواهد.

از شعارو لاف زدن بکاهید، دراندیشه مردم باشید. آیا به هرقیمت باید به این صورت حکومت کرد و ملت و میهن را به قهقرا کشانید؟!

یک بار هم که شده پس از یک ربع قرن فکر کنید، بعد عمل نمایید. بیا نید تا دیر نشده اعلام کنید وازمردم، کارشناسان، روشنفکران دلسوز میهن، یاری بخواهید و هم بستگی را که شعارش را می دهید در عمل یکبار آزمایش کنید. این چه سیاست عقب افتاده ایست که تمام دنیا را با رفتار غلط خود علیه ملت ایران همداستان کرده اید؟!

در اثنا آگاهی از تاریخ استعمار، تمام تخم مرغ های خود را درسید روسیه گذاشته اید، غافل ازاینکه استعمار، استعمار است و شمال و جنوب ندارد ولی براین باورخام همچنان پای فشردید که شاید روسها ما را به آمریکا نخواهند فروخت در حالی که "هیچ کس مرا نخواهد که در آن سود خود نجوید"

بارها نوشتیم بیگانه، بیگانه است و روسیه به قرارداد خود برای پایان بخشیدن به پرونده نیروگاه بوشهر تن در نخواهد داد و شما از یکپارچگی جهان خواران غافل شدید. اکنون روسیه در میانه راه به قصد اخاذی تهدید به قطع کار نیروگاه و ندادن سوخت کرده است غافل از اینکه "چرخ گاری را وسط رودخانه عوض نمی کنند". امروز سربزنگاه شما را گروگان گرفته و بهانه جویی می کند تا کار نیروگاه ختم به خیر نشود. رهایش کنید اینگونه دزدان با چراغ را، به ملت روی آورید. ولی عملکرد شما در داخل هم چنگی به دل نزده است دست از دیپلماسی واکنشی و شعاری و لحظه ای بردارید. تنها چیزی که باید مد نظران باشد منافع ملی و وحدت کشور باشد، آن هم با چماق نمی شود. در سایه آزادی، عدالت اجتماعی و برابری حقوق برای همه شهروندان میسر است نه باج دادن به بیگانگان. با این رفتار سراسر اشتباه و ایجاد نا رضایتی دردرون، استعمارگران را ترغیب به

حمله نظامی نکنید ، گرچه استعمارگران میدانند دست به هرگونه تجاوزی به خاک میهنمان بزنند به گواه تاریخ ، ایرانیان به وظایف میهنی خود آگاه بوده و عمل خواهند کرد .

حزب ملت ایران بر این باور است ، تنها راه برون رفت از شرایط حساس کنونی همبستگی ملی ، ایجاد فضای سیاسی باز و بازگرداندن حقوق ملت به ملت و در نهایت استقرار حاکمیت ملت است .

آزادی زنان زندانی ، فعالان سیاسی و مدنی ، آموزگاران

و کارگران دربند ، خواست ملت ایران است

برقرار باد مرد مسالاری

دبیرخانه حزب ملت ایران

تهران - ۲۶ اسفند ماه ۱۳۸۵